

adl0532

<http://hdl.handle.net/2333.1/8cz8wbn5>

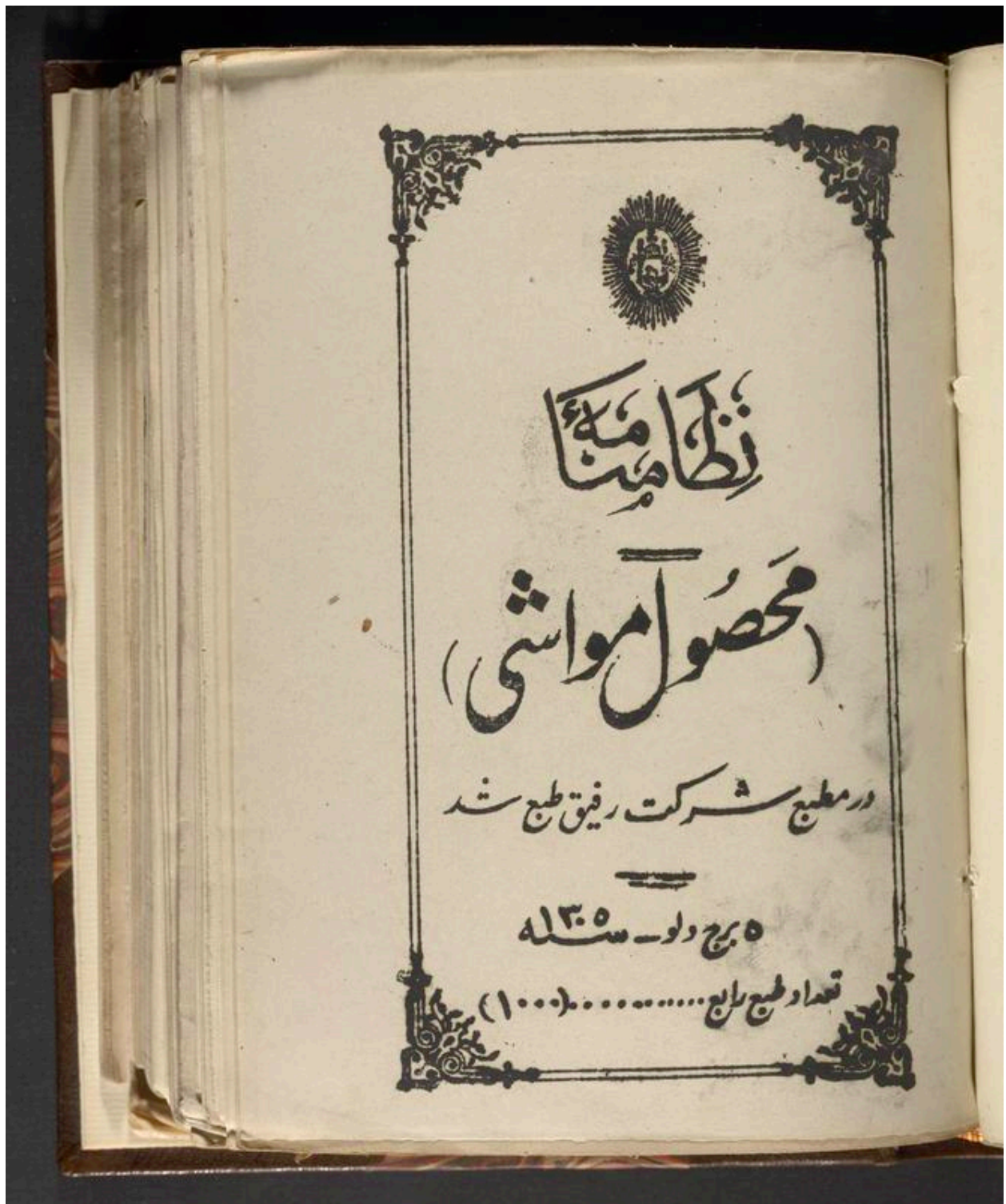


This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







بسم الله الرحمن الرحيم

(نظامنامه محصول مواشی)

مُقْتَدِر مِسْكَن

چون در افتادن نشان محصول مواشی با نواع مختلفه اقسام
متعدد گرفته شده مثلاً محصول :-

زکوة، طرق، علف چر، باج سیخ، شاه کی، نکت زکوة، سرزمه
سرگلگی، روغن، قروت معمولی، سرکانه، چکانه، باوجود محصولات
دیگر تکالیف هم بشمل حواله خرید جوال، گلیم، جل، نوار، پشم، پشمه
توبره، باسلیق، اسپ، اشتتر، مرکب، که دولت بکار میداشت
و بالا سر زکوة و مال رعایا ریزش گردیده و از قرار ریزش گرفته
شده و نیز محصولاتی که بر این مواشی گذاشته شده بود، بالای

یک قوم بیک قرار و بالا ب دیگر قوم بدیگر قرار محصول که زیاد مقدر
بعضی از حکام و کارداران خدا را ترس ، بلکه نوکران شخصی شان که از یک
بدیگر جای حرکت ینمودند و مصارف خود را باسم سبورات و دیگر
دست داری خود را باسم دالو ، از رعایا می گرفتند و برای هر کدام وجود
قائل و ضابطه غصب و برای رسید تحصیل آن خصمان متعدد مقدر گردید
باعث تکالیف و زحمات مالداران می شد .

نیز بنا بر آسوده حانی رعایا ب صادق و شایسته نام نهادن
تکالیف و زحمات را رفع نموده ، یک محصول باسم محصول موقوف
بالا ب تمامی مالداران افغانستان بدون استثنای قومیت و نسبت
وضع نمود تا مدد طلبی نظام مناسبت از همه مالداران در جمیع مالک خود
شاهانه محصول مذکور بقسم مساوات و برابری گرفته شود تا احدی
از محصول موصوف مرفوع اقلیم شده نتواند .

قاعده ۱۰ — بست محصول چیه انات که از قرار ده را یک و یاده
و عهد برادران و قریبه داران و یا قبیله داران بدون
بدفایز پادشاهی قبول دارند و از رعایا افزوده
بدون شمار می گرفتند ، موقوف فرموده شد که بعد
بدون تعدیل نظام مناسبت ب محصول گرفته نشود

(۲) — قریه داران و یا قبیله دارانیکه سابق ملک کنند یه

میر بزاره ایلنگی، ارباب، اقسقال، و در هر ملک

باصطلاح قوم آن بناهاست متعدد و مختلف یا بیشترند

ازین پس بر اقوام کوچی باسم (قبیله دار) و بر بزرگواران

کوچی (قریه دار) موسوم گردیدند. بنا بران قریه دار و قبیله

الازم که باتفاق علاقه دار و وکلانیکه در مجلس علاقه دار

از طرف اعلی انتخاب گردیده اند، سیاه جزو مویشی تلقی

خود را بتفصیل اسم و ولد و ساکن و شخص، و نوع حیوان

در تعداد آن بدفتری محال یا مدیر مالیه بدب، و اگر شخصی

در دادن جزو مویشی خود طاعت نمیکرد بموجب قاعده

(۱۷۱) نظامنامه تشکیلات اساسیه بجا که با علاقه دار با

دست خود مراجعت نموده معاودت طلب کند. کم

(۳) — در جائیکه راست تعاق حکام باشد تدرجه حکم (۳) شود

بهر قریه دار و قبیله دار در شمار بال حاضر باشد و جائیکه

رأسا تعاق حکام کلان و حاکم اعلی واجب نگردد باشد نائب حکام

و حکام مذکور از طرف خود شخصی امین را مقرر میدهند که براه قریه

و قبیله دار و وکیل است منتخبان آن حال که در مجلس

ولایت و یا حکومتی اعلی و یا حکومتی کلان میباشد شمار مالیه
(۴) — وقت شمار و انات در ابتدا سه ماه حوت الی آخر ماه
بمناسب موسم زای مویشی همان ملکست مقرر شد که
نیز کور تفصیل قاعده (۱) سیاه ساخته بدقت سه محال
و یا اداره مالیه سپرند.

(۵) — دفتر محال و یا مدیر مالیه سیاه که از قریه داران و کلا
یکمیرند بدقت و یا اداره مالیه به ترتیب قریه و جمع قریه و تفصیل
اسامی و نوع مویشی داخل دفتر نماید تا جمع نوع حیوانات
و محصول سالیانه معین باشد.

(۶) — دفتر محال و یا مدیر مالیه بقدریکه جزو یکدیگر در سه
محصول ده مویشی بدقت قریه داران و قبیل داران ملکست
محصول داران کند که اسامی از نوع مالدار و تعداد مویشی
و محصول سالیانه خود بدانند.

(۷) — چون تمام مویشی همه ساله میشود در هر سال که شمار مال
مویشی شود محصول دولت از مالدار گرفته میشود، اگر
درین سال مال محصول ده سقط شد یا مفقود گردید و یا افت
رید مجزای داد میشود و در سال آینده البته جدید شمار

شود.

(۸) - از دفتر محال و یا اداره مالیه تکست قریه داری برای قریه دار
و قبیله دار داده میشود که اسامی محصول ده جمع قریه دار
و قبیله دار به خود را بدانند.

(۹) - محصولات مال مویشی از عایا سه دولت بانواع مختلف
واقسام متعدد گرفته میشود، لهذا حال محصول مال مویشی
بقرار ذیل مقرر گردید:

اشتر - چهار روپیہ

سپ و قالر - دو روپیہ

گوسفند و بز - پانزده پیہ

گاو و گاو میش هر کدام - یک روپیہ

مرکب - یک روپیہ

(۱۰) - موعده رسانیدن محصول مویشی یک قسطه مقرر گردید
که موعده قسطه آن دو ماه است یعنی از ابتدا سه ماه
خفرب الی اخیرا ه قوس.

(۱۱) - اسامی اگر محصول مقرر را بموعده قسطه نرسانند از قرار یک
باقی ماند از باقیمانده آن ده روپیہ را یا زده روپیہ گرفته

یشود.

(۱۲) --- قریه داران و یا قبیله داران را لازم است که در (۱۵)

میزان براساس رعیتی ماند را اطلاع بدینند که سرشتر
وجه قسط خود را بر بوعده آن بنمایند.

(۱۳) --- قریه داران و یا قبیله داران محصول مواشی متعلقه

بوعده قسط از رعیتی تحصیل یافته رسیده چایی برای
بدینند هرگاه خود مالدار یا بواجبی قریه دار و یا قبیله دار
تحويل خوانده نماید هم جایز است.

(۱۴) --- قریه داران و قبیله داران وجه محصول را که از رعیتی

مالدار میگیرند و رسیده چایی میدهند و بجهت
قسط تحويل خوانده کرده رسیده حاصل دارند.

(۱۵) --- قریه دار و یا قبیله دار رسیده خوانده را بدفتر محال

دفتری محال و یا مدیرانته رسیده خوانده را ضبط
براساس سند قریه دار و یا قبیله دار محض رسیده

(۱۶) --- دفتر محال و یا مدیرانته پس از نقض

قسط قریه داران و یا قبیله داران را خواسته
محصول مواشی را به ایشان نماید هر قدر که رسیده بود

باقیمانده آنرا معین کرده در ده رویه یکرویه دیگر بنویسد
 جزای نقدی بستم و افزوده نماید و از قریه دار
 و قبیلہ دار استخامیکه و جزای نرسب اینند اندر جزو بگیرد
 و محصل شدید مقرر و اندک که وجہ را حصول کند
 (۱۷) — هنگامیکه محصل تحصیل مقرر شد اگر اسامی قبولدار بود
 و جزای بخیر نرسب برساند، اگر قبولدار نبوده بدقت رجال یا اداره
 مالیه حاضر گردیده بمواجهه قریه دار گفتگو کند خود را بنمایند
 در حالیکه بقرار حسابی ثابت شود از نامبرده حصول تحصیل
 بذریعہ محصل میشود، و اگر ثبوت نشد جواب باقی را قریه دار
 و یا قبیلہ دار به ثبوت بگوید .
 (۱۸) — اگر قریه دار و قبیلہ دار باقی را بدهد اسامی قلمداد کرد
 و محصل مقرر شد اسامی را حاضر نموده در سید قریه دار
 و یا قبیلہ دار را ظاهر کرده این بوجه را گرفته تا حق قلمداد
 کرده بود باقی و جزای نقدی اسامی از قریه دار
 به علامه بیست را بیست و پنج رویه گرفته شود .
 (۱۹) — اگر اسامی و جزای نقدی را با وجود محصل
 الی موعده نوروز نرسب نماند و قریه دار یا قبیلہ دار

(۱۵) ما
 تشریف

بقدر خود را
 ای شایسته
 و از خود

علی
 کوثر

برده
 کرد
 بهینه
 موه
 ساس
 مجرای

مالداری او را باندازه باقی او بفرد و شش
و چه محصول حاصل کرده تحویل بخانه نماید.

(۲۰) — جزو یک قریه داران و یا قبیله داران بدفتر محال و یا
میدهند لازم بسیار غور نمایند که چینی
نماند، اگر مانده بود و ثانیاً بظهور رسید از
غالی نخواهد بود.

۱- یا قریه دار و یا قبیله دار و و کلاً دسته به
نقدی خود با اسامی سلمته گی کرده قلمداد کرده
در صورت دفتری محال دیامیر مایه تحقیق نماید
از ثبوت از صاحب الی برود و گرفته میشود و نیز
دار و قبیله دار از قریه دار و و کلاً از و کلاً
میشود اصل حصول تحویل خزانه و نصف جریه
به مخزن انعام داده میشود.

۲- یا از اسامی قریه دار و یا قبیله داران
محصول را گرفته بدفتر میا به نداده در صورت اسامی
از جریه معاف است و از قریه دار و یا قبیله دار و
برود و محصول گرفته شده از قریه داری و یا قبیله

دارے موقوف است .

۳۰- هرگاه اسامی در وقت شمار مال خود را
پنهان کرده بود از شخص مذکور محصول یک بردو قسم
جرای نقدے گرفته میشود و از قریه دار و یا قبیلہ دار
پنج یک (۱/۵) اصل محصول بسبب غفلت
جریمه گرفته میشود .

(۲۱) - بسال قول که جزو شمار مالی مواشی که قریه داران
و یا قبیلہ داران دو کلا قلمداد میکنند اگر نسبت
بسال گذشته وجه محصول آن زیاده بوده صداقت
شان بدولت مقدس شان ظاہر گردید از وجه افزود
که بسته شونده یک آن بطریق انعام بحسابش
مجری داده میشود .

(۲۲) - جزو یک قریه داران و یا قبیلہ داران دو کلا میدهند
اگر نسبت به محصول سال گذشته کسر کنی گردانظر
حکومتی کلان یا حکومتی اعلی یا نائب الحکومه کی موجب
عوضداشت دفتر یا سر رشته دار یا مستورنی
همان حکومتی کلان یا حکومتی اعلی یا نائب الحکومه کی

نقري برای تقییش شمار مقرر میشود، هر قدر که از شمار
باقیمانده و داخل سیاهه قلمداد قریه دارد یا قبسیله دارد
دو کلام گردیده باشد مطابق قاعده (۲۰) معموله است
— می شود.

(۲۳) — اگر جمع محمول موا — شے نسبت بسالها — گذشته
کسر زیاد کرد هر تجویز — که دولت لازم بداند بر آن
آن مقتدر است.

(۲۴) — حواله جات بل، بوال، پشت سم، گوسفند، سپ
خریدارے روغن معمولی، قردوت، گلیم، ذوال
مردوز، ریشم، قوبره، باسلیق، اشتر
مرکب موقوف است، دولت کار آمد خود را
بخوش رضا و قیمت روز خریداری میکند
هیچیکس را اجازه نیست که به حواله چیزی
گیرد و یا جبراً خریدار — کند اگر کرده بود بظهور
رسید بقرار نظامنامه جزا جزا — میند.

(۲۵) — دفتری حال و یا مدیر الیه همه ساله صورت حساب
سالیانه خود را بمرکز الیه که تعلق دارد بفرستد.

تحصیل محصول بنزد دولت مسئول است.

(۲۶) — اشیا یکه خریداری آن در هنگام محاربه ضرور

باشد بموجب فرمان دستخطی بمایونی جنس دولت

میگیرد و قیمت آنرا در حین حساب جبری میدهد.

(۲۷) — برای خدمتانه قریه داران و علاقه داران از حصو

محصول از چهل رد پیه بخته یک رد پیه بحساب

نامبرده جبر می داده شود، از چه یک داخل جبر می آمده

باشد خدمتانه داده میشود.

(۲۸) — شمار مال مویشی که برای ~~است~~ میشود هر مال

که در هر موضع باشد سیاه بده آن در همان موضع که

آقامه دارد میشود مثلاً مالدار فرام و پشت رود

که بسته بفراه و پشت رود است و مالدار می باشد

بقطفن میرود حال از جمع فرام و پشت رود کم شده

بقطفن بسته میشود.

(۲۹) — بست قدیم که قواعد قدیمه آن بدفاتر سرکار

مانده است از ابتداء ~~است~~ موقوف و

شمار مویشی در هر موضع که آقامه دارد میشود.

(۳۰) — اگر بعضی رسته دار که تعداد رسته آن از پنجاه رأس
اضافه باشد در ^{۱۳۰} در یک موضع سیاهه موافقی
آن آمده باشد در سالها — آینده خیال
رفتن دائمی بدیگر موضع داشته باشد باید برای
مدیر مالیه خود اطلاع داده خط بگیرد.

(۳۱) — مالدار یکه دائمی بدیگر موضع میرود خط مدیر میرسد
مالیه موضع سابقه خود را برای مدیر مالیه
موضعیکه جدید آمده میرساند.
(۳۲) — هر مالدار که از یک موضع بدیگر موضع بطور دائمی
میرود لازم که برای مدیر مالیه موضع سابقه
خود اطلاع بدهد تا مدیر مالیه موضع سابقه او برای
مدیر مالیه موضعیکه حال میرود اطلاع دهی کند
که مستحضر باشد.

(۳۳) — هر مالدار که از مدیر مالیه خود خط رفتن بدیگر موضع
خود را میگیرد اگر برای مدیر مالیه موضع جدید
خود نرساند و یا خود را در بین راه پنهان کرد
از دستیابی و تحقیق محول موافقی آن

گرفته میشود.

(۳۴) :- در خصوص الو که گاه و گاه در بین راه جبراً میگردانند
قطعاً موقوف گردید فقط در وقتیکه کدام جمعی
که در آن فائده عمومی باشد بموجب فرمان ستغلی
مبارکت اعلی حضرت بمایونی حواله و اجرا خواهد شد.
(۳۵) :- چونکه زکوة امر شرعی است، بنابراین مالدارانیکه
مستوجب زکوة باشند در رسانیدن آن کوشش
در زبده تمام احتیاط بکار برند.

(تشریح مقدمه) کسیکه یک مال مواشی
داشته باشد هم مالدار گفته میشود، و در محصول
آن آید و محصول مواشی از نر و ماده خور و دکان
چووان بلا استثنا یکسان گرفته میشود.

چون اکثر اقوام و قبائل سمت مشرقی و سمت
جنوبی در موقع جهاد در راه حفظ وطن و ناموس
افغانیت خدمات قیمتی دارند ایفا نموده اند
بنابر قدر دانی و قیمت مستثنای این قبیل خدماتیکه

دائماً منظور حضور من است ، تا میعاد ده سال
یعنی تا آخر ۱۳۱۰ شمسی در تأویه محمول مال
مواش که بموجب نظامنامه فوق بر عموم
قبائل و عشائر افغانستان یکسان
ناقد و جاری است بصورت رعایت خاص تخفیفی
که در ذیل نشان داده شده
است منظور گردیده بدینوجب .
گوسفند ، بز ، گدی (۵۰) پیر
اسب ، قاطر ، یابو (۱۰) پیر
اشتر (۲۰) پیر
گاو ، گاو میش (۱۰) پیر
مرکب (۱۰) پیر
او خال و اجرای این نظامنامه را در نظامات
دولت امر و اراده می نمایم

طیبه نظامنامه محصول مال مویشی

از گوسفند بره نر قره قلی که بواسطه پوست کشیده میشود
محصول مال مویشی گرفته نمی شود ، و معاف است .

تحریر چهارشنبه ۹ مرداد ۱۳۰۲

(۱) — اشخاصیکه شمار مال مویشی را بنمایند در موضوعیکه محصول
سرخانه بدولت میدهند بعد از انجام شمار مال مویشی
بقرار ماده (۳ و ۳) نظامنامه محصول مال مویشی
سیاه جزو سرخانه اضافی و سیاهی دجواز تعلقه
خود را نیز میدهند .

(۲) — محصول سرخانه اضافی و سیاهی دجواز هر دو وضع
بقرار بست مقرری همان موضع گرفته میشود .

(۳) — دفتری محال دیامدیر یالیه بر طبق ماده یک در نظامنامه

محصول مال مویشی ایضاح گردیده با استناد

ماده (۳ - ۲ - ۲۶ - ۳۳ - ۳۴) که

موضوع مال مویشی است در باره شمار سرخانه اضافی

و آسیابی و جوار مراعات و اجرا نمایند .
 (۴) - کسیکه از یک موضع دیگر موضع بقسم وائی میرود
 اگر در همان موضع سرخانه مقرری داشته باشد
 موافق بست مقرری بآن محلیکه جدید وارد میشود
 محصول سرخانه از او گرفته شود . هرگاه در محل دارد
 او محصول سرخانه مقرری نباشد از تادیبه محصول
 سرخانه معاف است .

(۵) - اشخاص متفرقه که اصلاً از جمله ساکنین قریه
 جاتیکه مالشان شمار میشود نباشند در حین شمار
 محصول مال مویشی خود را نقصد تادیبه کنند و یا
 وجه بدهند که بنگارم بر سر رسیدن قسط محصول
 مال مویشی محصول مالنداری خود را برسانند .

(۶) - توضیح ماده اول قاعده (۲۰) محصول قلم اندازی
 مال مویشی که بردور گرفته میشود نصف جریمه بخرانعام
 اصل محصول آن نیم چندان تحویل خزانه میشود .



